

در اروپا چه می گذرد: انتخابات عمومی آلمان

نویسنده:
دکتر زهرافون پرست
پژوهشگر در زمینه حقوق و
روابط بین الملل

در اروپا چه می گذرد؟ کشورهای اروپایی با تحولات ده پانزده سال اخیر چگونه دست و پنجه نرم می کنند؟ پیش از این در دو مقاله در مورد روابط دوسوی آتلانتیک و عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا زمینه پاسخ گویی به این پرسشها فراهم آمد.^۱ در این نوشتار به آخرین دگرگونی سیاسی در اروپا یعنی انتخابات آلمان و گزینش «آنگلا مرکل»، بعنوان نخستین صدراعظم زن و نکاتی از این دست می پردازیم که چرا آلمانیها به شیوه ای رأی داده اند که نگرانی ژرفی برای بزرگترین اقتصاد اتحادیه اروپا، خود اتحادیه و فراتر از آن برای آمریکا، از جهت سردرگمی در تشکیل حکومت پدید آورده اند و سرانجام کاسه شکسته اکثریت پارلمانی در آلمان چگونه جوش خورده است.

به یاری ایزد دانا در مقالات بعدی، به برخی دیگر از تحولات اروپا خواهیم پرداخت.

انتخابات عمومی آلمان

و نخستین صدراعظم زن

پیشگفتار

کماییش همگان انتظار دارند که پس از یک انتخابات عمومی، دگرگونیهایی چشمگیر پدید آید؛^۲ رئیس جمهوری یا نخست وزیر برود و رقیبش به پیروزی دست یابد یا خودش ندای پیروزی دوباره سر دهد. در انتخابات عمومی اخیر آلمان (۲۷ شهریور برابر با ۱۸ سپتامبر) ناخوشایندترین وضع از نظر احزاب بزرگ، بازرگانان و سرمایه گذاران، شهروندان آلمانی و برای اتحادیه اروپا پیش آمد.^۳ سردرگمی ناشی از دست نیافتن به اکثریت برای احزاب بزرگ و بدتر از آن، دشواری تشکیل هرگونه ائتلاف، حتی از نوع نامطلوب، از روز ۲۸ شهریور (۱۹ سپتامبر) یعنی یک روز پس از انتخابات نمایان شد. شاید بتوان گفت که اکثریت نسبی واقعی را حزب سوسیال دموکرات گرهارد شرودر از آن خود کرد زیرا دور

از هر ائتلاف ۳۴/۳ درصد آراء و ۲۲۲ کرسی پارلمان را به دست آورد.^۴ گروه یا بلوک محافظه کار در برگیرنده حزب دموکرات مسیحی (اتحادیه دموکرات مسیحی) و مؤتلفش حزب سوسیال مسیحی باواریا (اتحادیه سوسیال مسیحی باواریا) به رهبری خانم مرکل به ۳۵/۲ درصد آراء و ۲۲۵ کرسی پارلمان دست یافتند.^۵ ۱۵ روز پس از برگزاری انتخابات عمومی، انتخابات در «درسدن» که به علت درگذشت یکی از نامزدهای انتخاباتی، به تعویق افتاده بود، انجام گرفت و حزب خانم مرکل توانست کرسی دیگری نیز به دست آورد.

پس از آنها، حزب دموکرات آزاد بود که برنده ۹/۸ درصد آراء و ۶۱ کرسی در پارلمان شد. ائتلاف چپ، در برگیرنده کمونیستهای پیشین و چپهای جدا شده از حزب سوسیال دموکرات و حزب سبز به ترتیب ۸/۷ درصد (۵۴ کرسی) و ۸/۸ درصد آراء (۵۱ کرسی) را به خود اختصاص دادند.

چرا چنین شد؟ از آغاز مبارزات انتخاباتی زودرس به ابتکار شرودر، همه نظرسنجی ها گویای پیروزی چشمگیر گروه محافظه کار و خانم آنگلا مرکل بعنوان نامزد مقام صدراعظمی بود.^۶ چرا آفتاب مرکل سر بر نیآورده به غروب نزدیک شد و او پس از انتخابات عمومی، فرسوده و خسته، ناگزیر شد راهی دشوار برای تشکیل دولت ائتلافی بیابد؟ وی با خود، کماییش حزبی را نیز که نردبان ترقی اش بود به پایین کشید. در تاریخ حزب دموکرات مسیحی، جز در یک مورد، این بدترین نتیجه انتخابات برای این حزب بوده است. پیش از پاسخگویی به پرسش بالا، بدنیست که بازندگی خانم آنگلا مرکل و پیشینه سیاسی اش آشنا شویم.

پاگرفتن شخصیت سیاسی آنگلا مرکل

آنگلا مرکل در سال ۱۹۵۴ در هامبورگ زاده شد. دو ماهه بود که پدرش کشیشی از فرقه لوتران، به مأموریتی در کلیسای لایپزیک فرستاده شد. مرکل در منطقه ای روستایی بیرون از برلین (آلمان

○ در انتخابات عمومی

اخیر آلمان (۲۷ شهریور برابر با ۱۸ سپتامبر) ناخوشایندترین وضع از نظر احزاب بزرگ، بازرگانان و سرمایه گذاران، شهروندان آلمانی و برای اتحادیه اروپا پیش آمد.

آوردن تانک برای عربستان رد کرد و آن را بوچ خواند ولی با گسترش بحران و روشن شدن این نکته که هلموت کهل صدراعظم وقت نیز در آن نقشی داشته است، دست به چرخش کامل زد. او نخستین کسی از حلقه یاران کهل بود که آشکارا از پشتیبانی کهل دست کشید.^۷ در انتخابات عمومی ۲۰۰۲ درجه محبوبیت مرکل به اندازه ای نبود که بتواند نامزد حزب برای مقام صدر اعظمی شود؛ در نتیجه ادموند اشتوبیر، رهبر حزب خواهر دموکرات مسیحی از ایالت باواریا یعنی حزب سوسیال مسیحی، برای رقابت با شرودر برگزیده شد.

مبارزات انتخاباتی ۲۰۰۵: چرا انگلا مرکل به پیروزی چشمگیری که انتظار می رفت، دست نیافت؟

خانم انگلا مرکل، نامزد گروه محافظه کار (ائتلاف حزب دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی باواریا) با شعار اصلاحات، درمان مرد بیمار اروپا (آلمان) و حمله به کارخانه حکومت ۷ ساله گرهارد شرودر، مبارزه انتخاباتی را آغاز کرد: اصلاحاتی فراتر و متفاوت از آنچه شرودر عرضه می کرد. وی با تکیه بر آرای آن دسته از شهروندان که از بیکاری و کسری موازنه پرداخت های کشور به تنگ آمده و از آغاز مذاکرات مربوط به عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا ناراضی بودند، مبارزه خود را با پخش بی مجوز آهنگ «انجی انجی» از «میک جگر» خواننده گروه موسیقی پاپ با سابقه انگلیسی «رولینگ استون» آغاز کرد؛^۸ مبارزه ای که در واقع باید یک سال دیرتر صورت می گرفت ولی با انحلال پارلمان به ابتکار شرودر، از ماه ژوئیه آغاز شد.

شرودر بعنوان یک چالشگر هوشیار سیاسی که یکی از بزرگترین سیاستمداران تاریخ معاصر آلمان به شمار می رود، پس از شکست حزبی از حزب دموکرات مسیحی در انتخابات ماه مه ۲۰۰۵

شرقی) بزرگ شد و تا ۳۶ سالگی در دنیای کمونیسم به سر می برد و به گفته خودش از همانجا رونالد ریگان را ستایش می کرد.

او استعدادی چشمگیر در فراگیری ریاضیات، علوم و زبان داشت و سرانجام از دانشگاه لایپزیک درجه دکتری فیزیک گرفت و پیش از آغاز فعالیت سیاسی، در آکادمی علوم در برلین شرقی کار می کرد.

شرایط و اوضاع و احوال سیاسی باعث شد که خانم مرکل کار خود را تغییر دهد و وارد فعالیت های سیاسی شود و در مدتی بسیار کوتاه به بالاترین درجات و مناصب کشوری دست یابد.

مرکل از ۱۹۸۹ به عضویت Demokratischer Aufbruch در آمد. در سال ۱۹۸۹ وی در جنبش دموکراسی رو به گسترش در آلمان شرقی، درگیر بود. پس از نخستین انتخابات دموکراتیک در شرق، بعنوان سخنگوی دولت برگزیده شد. از سال ۱۹۹۰ و دو ماه پیش از یکپارچگی دو آلمان، به حزب دموکرات مسیحی حاکم پیوست و در دسامبر ۱۹۹۰ بعنوان نماینده استان Mecklenburg - Western Pomerania پارلمان پا گذاشت. مرکل سه ماه بعد وزیر زنان و جوانان در کابینه هلموت کهل شد. از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ وزیر زنان و جوانان در کابینه فدرال، از ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ وزیر محیط زیست، حفاظت و ایمنی هسته ای، از سال ۱۹۹۱، ۱۹۹۸ معاون رهبر حزب دموکرات مسیحی، از ۱۹۹۳، ۲۰۰۰ رهبر حزب در ایالت Mecklenburg - Western Pomerania بود و از سال ۲۰۰۰ رهبری حزب دموکرات مسیحی را به عهده گرفت؛ این در حالی بود که رهبری این حزب را بیشتر مردان کاتولیک از غرب آلمان به دست داشتند.

شکوفایی سیاسی مرکل به کمک هلموت کهل صدراعظم زمان یکپارچگی دو آلمان میسر شد. کهل او را «دختره» می خواند. در ماجرای رشوه گیری حزب دموکرات مسیحی، مرکل نخست اتهامات وارد شده به حزب را در فراهم

در ایالت پر جمعیت «راین شمالی، وستفالی»، جایی که حزب سوسیال دموکرات برای مدت ۳۹ سال حکومت را در دست داشت، بیش از پیش احساس خطر کرد که چنگک‌های قدرت خود را به سود حزب دموکرات مسیحی از دست می‌دهد و چنانچه این روند ادامه یابد، تا انتخابات عمومی سال بعد، از سویی چه بسا بر میزان بیکاری، کسری موازنه پرداختها و دیگر عوامل منفی در کارنامه‌اش افزوده شود و از سوی دیگر با تضعیف حزبش توان اجرای برنامه اصلاحات و جبران مافات را از دست بدهد و از سوی دیگر حزب دموکرات مسیحی آنگلا مرکل و مؤتلفش نیرومندتر شوند. او برای پیشدستی دست به ابتکاری زد که بسیاری از اعضای حزبش و مؤتلفان را ناخرسند ساخت؛ به اندازه‌ای که برخی از رهبران و اعضای حزب سوسیال دموکرات، از او روگرداندند و با احزاب چپ و کمونیست‌ها ائتلاف کردند.

شرودر با تلاش بسیار توانست از پارلمان رأی عدم اعتماد بگیرد و راه را برای انتخابات عمومی هموار کند. در آغاز مبارزات انتخاباتی حزب سوسیال دموکرات شرودر وضع چندان خوبی نداشت و بیشتر نظرسنجی‌ها فاصله باور نکرده‌ی (۲۱ درصد) آنرا با حزب دموکرات مسیحی نشان می‌داد. جدا شدن اعضای ناراضی حزب به علت اقدام شرودر در جلو انداختن انتخابات، فاصله گرفتن یوشکا فیشر وزیر امور خارجه از حزب سبز (مؤتلف دولت) و حملات بی‌امان حزب رقیب و نتایج نظرسنجی‌ها، هیچ‌یک شرودر را ناامید نکرد. شرودر هرگز به خود تردید راه نداد که پیروز خواهد شد. نتایج نظرسنجی‌ها در میانه‌ی راه که خبر از کم شدن فاصله دو حزب می‌داد و ظاهر شدن فیشر در کنار شرودر در مبارزات مشترک، به شدت حملات سوسیال دموکراتها افزود.

برای هر حمله می‌بایست دلیلی منطقی یا دست‌کم مردم‌پسند وجود داشته باشد. این دست‌مایه را خود مرکل برای رقیبش فراهم کرد. در میانه مبارزات وی پل کرچوف را بعنوان مشاور

مالی و وزیر دارایی آینده‌اش برگزید. برنامه مالیاتی وی، در کنار آنچه مرکل خود از قبل در مورد افزایش مالیاتهای ارزش افزوده مطرح کرده بود، به شرودر این فرصت را داد که حملات خود را شدت بخشد. جالب‌ترین جمله شرودر این بود که «آیا منشی یک بازرگان میلیونیتر باید بیش از او اضافه مالیات بپردازد؟»

بلوک پارلمانی محافظه‌کار نیز حتی پیش از آنکه رئیس‌جمهور «هورست کهلر» برگزاری انتخابات در ماه سپتامبر را تأیید کند، برنامه انتخاباتی خود را با شور و شوق در ماه ژوئیه منتشر و اعلام کرد با این برنامه «مرد بیمار اروپا» را شفا خواهد داد.^{۱۰}

آنگلا مرکل آماده بود کارهایی را که شرودر و حزب سوسیال دموکرات به خاطر پایبندی به شعائر حزبی مبنی بر برقراری عدالت اجتماعی، تمایلی به انجام دادنش نداشتند، در صحنه داخلی و روابط خارجی به گونه قاطع پیش ببرد. هر چند برنامه‌های خانم مرکل به شدت و حدت برنامه‌های خانم تاجر نیست، مطبوعات وی را «تاجر آلمان» می‌خوانند^{۱۱} و بسیاری کسان او را آمیزه‌ای از تاجر و تونی بلر می‌دانند. مرکل هر چه باشد، تاجر یا بلر یا آمیزه‌ای از هر دو، بیشتر شهروندان آلمانی به او رأی نداده‌اند؛ در حالی که دو سیاستمدار انگلیسی از پشتیبانی چشمگیر شهروندان برای اجرای برنامه‌هایشان برخوردار بوده‌اند. در زیر دلایل ناکامی ائتلاف محافظه‌کاران آلمان و خانم مرکل بررسی می‌شود:

روش مرکل در انتخابات

حتی هنگامی که نظرسنجی‌ها نشان دهنده فاصله ۲۱ درصدی دو حزب بود، مرکل از لحاظ محبوبیت به پای شرودر نمی‌رسید.^{۱۲} شیوه مبارزه انتخاباتی شرودر نشان می‌داد که وی سیاستمداری با تجربه است. پیش از اینکه برای گروهی سخنرانی کند، به میان آنها می‌رفت با آنها ارتباط برقرار می‌کرد؛ دستشان را به گرمی می‌فشرد و

○ هر چند برنامه‌های خانم مرکل به شدت و حدت برنامه‌های خانم تاجر نیست، مطبوعات وی را «تاجر آلمان» می‌خوانند و بسیاری کسان او را آمیزه‌ای از تاجر و تونی بلر می‌دانند. مرکل هر چه باشد، تاجر یا بلر یا آمیزه‌ای از آن دو، بیشتر شهروندان آلمانی به او رأی نداده‌اند؛ در حالی که دو سیاستمدار انگلیسی از پشتیبانی چشمگیر شهروندان برای اجرای برنامه‌هایشان برخوردار بوده‌اند.

○ گفته می شود که اگر به جای مرکل، فردی دیگر نامزد صدراعظمی می شد، با توجه به شرایط مناسب برای حزب دموکرات مسیحی ناشی از نارضایتی های موجود که به برنامه های حکومت ائتلافی حزب سوسیال دموکرات و سبزها نسبت داده می شد و آمادگی شهروندان برای پذیرش تغییر، می توانست به اکثریتی چشمگیر دست یابد.

آنگلا مرکل دور کرد، برنامه اصلاحات مالیاتی او بود. در واقع نزدیک به ۷۰ درصد رأی دهندگان نشان دادند که این برنامه را پذیرفتنی نمی دانند و بار رأی ندادن به مرکل و حزب مؤتلفش ناخرسندی خود را از آن ابراز داشتند.^{۱۴} برخی از ستاینندگان مرکل او را جلوتر از زمان خود توصیف می کنند: کسی که می تواند آینده را پیش بینی کند و برای حل مشکلات، با ارائه برنامه ای سختگیرانه، گام های بلندتری بردارد. ولی این نکته نمی تواند واقعیت را تغییر دهد که طبقه کم درآمد، نمی خواهند در پرداخت کسری موازنه پرداخت های دولت سهیم شوند، حتی اگر وعده بهشت برین به آنها داده شود. نکات مهم این برنامه مالیاتی چنین بود:

افزایش «وات» یا «مالیات ارزش افزوده» از ۱۶ درصد به ۱۸ درصد که از دید دموکرات مسیحی ها در آمد ناشی از آن، سرانجام به ۱۶ میلیارد یورو یا ۱۹ میلیارد دلار می رسد. بسیاری از فروشگاههای زنجیره ای مانند کارا اشتات، از افزایش مالیات ارزش افزوده، اظهار نگرانی می کردند، زیرا برای چهار سال پیاپی میزان فروش رو به کاهش بود و احتمال می رفت که این، باعث کاهش بیشتر شود. دموکرات مسیحی ها در پاسخ به این نگرانی می گفتند که ناگزیر از گزینش این راه هستند و راه دیگری وجود ندارد.^{۱۵}

همچنین محافظه کاران تصمیم داشتند از ژانویه ۲۰۰۷، مالیات بر درآمدهای بالا را از ۴۲ درصد به ۳۹ درصد و مالیات بر درآمدهای پایین را از ۱۵ به ۱۲ درصد کاهش دهند و برای جبران این کاهش، یارانه های کسانی را که برای نخستین بار خانه می خرند، استفاده کنندگان همیشگی از وسیله نقلیه بین شهری و آنهایی که در روزنامه های یکشنبه، روزهای تعطیل و شیفت شب کار می کنند، قطع نمایند.

پاره ای از این برنامه ها را حتی حزب «لیبرال دموکرات آزاد»، که از آغاز، سخن از ائتلاف آن با محافظه کاران در میان بود، نمی پذیرفت و از آن انتقاد می کرد. بویژه در مورد «وات» یا مالیات ارزش

سپس روی سکو می رفت؛ کت خود را در می آورد و با اشتیاق و با صدایی گیرا جمعیت را بیش از پیش شیفته خود می کرد؛ در حالی که خانم مرکل چنین رفتارهایی نداشت. گفته می شود که اگر به جای مرکل، فردی دیگر نامزد صدراعظمی می شد، با توجه به شرایط مناسب برای حزب دموکرات مسیحی ناشی از نارضایتی های موجود که به برنامه های حکومت ائتلافی حزب سوسیال دموکرات و سبزها نسبت داده می شد و آمادگی شهروندان برای پذیرش تغییر، می توانست به اکثریتی چشمگیر دست یابد.^{۱۳} نکته دیگر که توجه هر ناظر بیطرف را جلب می کند، گرایش نداشتن آلمانی ها به صدراعظمی یک زن است. در حالی که زنان در آسیا نزدیک به ۴ دهه است در سری لانکا، هند، بنگلادش، پاکستان، فیلیپین، اندونزی، به آسانی در رأس حکومت قرار می گیرند، چنین می نماید که نامزدی مرکل برای مقام صدراعظمی آلمان هنوز زود بوده است.

گذشته از این، شیوه سخنرانی ها و پرداختن به جزئیات که شاید بیشتر ابتکار خود مرکل بوده تا سلیقه رهبری حزب دموکرات مسیحی، چندان سودی نداشته است. گرچه برخی کسان این روش را می ستایند و آن را نشانه صداقت و عاملی تازه در صحنه سیاست آلمان می دانند، ولی باید پذیرفت که سیاست و صداقت دوروی یک سگه نیستند، بلکه دو سگه متفاوتند که دومی در عالم سیاست به علت کارایی نداشتن کمتر خرج می شود و چنانچه به کار رود، کالای کمتری با آن می توان خرید. خانم مرکل در هر سخنرانی وارد جزئیات می شد و آنچه را دیگر سیاستمداران پس از برگزیده شدن مطرح می کنند، با شهروندان در میان می گذاشت و به این روش خود می بالید و حزب رقیب را برای پنهان نگاه داشتن برنامه هایش سرزنش می کرد.

تأثیر برنامه های مالیاتی

خانم آنگلا مرکل

بیشترین عاملی که رأی دهندگان آلمانی را از

افزوده، «گایدو وسترولا» رهبر حزب می گفت که این موضوع باید مورد بحث بیشتر قرار گیرد.

گذشته از اینها، برنامه اصلاحات مالیاتی پل کرچوف، ایجاد نارضایتی کرد و باعث دور شدن رأی دهندگان از حزب دموکرات مسیحی شد. خانم مرکل تصمیم داشت در صورت پیروزی، پل کرچوف استاد دانشگاه هایدلبرگ و قاضی سابق دیوان قانون اساسی را، با وجود مخالفت‌های فراوان، بعنوان وزیر دارایی کابینه خود برگزیند. با او از چند جهت مخالفت می‌شد و مهمتر از همه، پیشنهاد مالیات بر درآمد ۲۵ درصدی وی معروف (flat rate tax) بود. وی همچنین می‌خواست همه راه‌های فرار مالیاتی را که به ۴۱۸ مورد می‌رسید ببندد. تحلیل‌گران برنامه وی را به زبان طبقات کم درآمد و با درآمد متوسط می‌دانستند.

دیگر آنکه بیشتر کارشناسان و خبرگان مالی کرچوف را فردی کم تجربه و تازه کار می‌دانستند که در چارچوب حزب دموکرات مسیحی ارتباطات کافی برای اداره مؤثر وزارت دارایی نخواهد داشت. از همه مهمتر نخست‌وزیر ایالت باواریا، ادموند اشتویبر از حزب مؤتلف خانم مرکل یعنی «سوسیال مسیحی باواریا» و رقیب انتخاباتی سال ۲۰۰۲ شرودر، بر آن بود که این وزارخانه را در صورت پیروزی مرکل، خود به عهده گیرد. بر سر هم این پست بویژه در شرایط مالی کنونی آلمان، به علت بدهکاری دولت و کسری موازنه پرداختها، از اهمیت بسیار برخوردار است. همچنین برخی کسان چون دبیرکل «حزب دموکرات آزاد»، درک نی‌پل، می‌گفتند که ایده‌های کرچوف در حال حاضر از لحاظ مالی اجرا شدنی نیست زیرا نرخ پایین، باعث کاهش درآمد دولت از محل مالیاتها می‌شود.

منتقدان کرچوف از حزب سوسیال دموکرات، مانند «ولف گنگ تیرس» رئیس پارلمان آلمان، برنامه کرچوف را به ظاهر ساده ولی بسیار ناعادلانه و از لحاظ اصولی و مالی غیر عملی می‌خواندند. در این میان کرچوف در دفاع از پیشنهادش

می‌گفت که می‌خواهد برای بهبود نظام مالیاتی و ساده کردن آن ۴۱۸ راه فرار مالیاتی موجود را یکسره ببندد زیرا اگر یکی دو مورد را باقی گذارد، مردمان می‌گویند چرا بقیه آنها حذف شده است. به این ترتیب شهروندان خواهند توانست در ده دقیقه کار مالیاتی خود را انجام دهند. در از مدت نیز مالیات افراد عادی و شرکتهایی توجه به اینکه در آمدشان چگونه به دست می‌آید، یکسان می‌شود.

کرچوف مدعی بود که هدفش، پایین آوردن کسری موازنه پرداختها به اندازه‌ای حتی زیر حد تعیین شده از سوی اتحادیه اروپا، یعنی سه درصد تولید ناخالص ملی (داخلی) است. ۱۷ وی معتقد بود که باید آلمان بار دیگر بعنوان نمونه‌ای خوب در اتحادیه مطرح شود. همچنین وی بر آن بود که بواقع، این بزرگترین مشکل دولت است و درست نیست که چنین باری بر دوش نسل‌های آینده کشور گذاشته شود. ۱۸

محافظه‌کاران وعده داده بودند که با اجرای این برنامه‌ها کسری موازنه پرداختها را تا سال ۲۰۰۹ به زیر سه درصد برسانند و بودجه فدرال را تا سال ۲۰۱۴ متعادل کنند؛ در حالی که سوسیال دموکراتها برای از میان بردن مشکلات موجود، بیشتر مالیات بر ثروت و دارایی را هدف قرار می‌دادند.

گذشته از آن، احزاب محافظه کار می‌خواستند برای اصلاح بازار کار، این فرصت را به شرکتهایی متوسط و کوچک بدهند که به آسانی بتوانند کارکنان را استخدام و اخراج کنند و برای نمونه، حمایتی قانونی را که در حال حاضر برای اخراج کارگران اعمال می‌شود، برای شرکتهایی که شمار کارکنانشان ۲۰ تن یا کمتر است، به تعلیق در آورند. ترتیبات جدید به منظور استخدام ساده‌تر افراد صورت می‌گرفت. با وضع مقررات جدید، استخدام نیمه وقت آسان‌تر می‌شد و شرکتهایی می‌توانستند با توافق کارکنان، شرایط کار را در سطح خود شرکت تنظیم کنند تا اینکه مقید به مقررات کلی شوند. نزدیک به ۷۰ درصد شهروندان

○ در حالی که زنان در

آسیا نزدیک به ۴ دهه است در سری لانکا، هند، بنگلادش، پاکستان، فیلیپین، اندونزی، به آسانی در رأس حکومت قرار می‌گیرند، چنین می‌نماید که نامزدی مرکل برای مقام صدراعظمی آلمان هنوز زود بوده است.

با ندادن رأی به محافظه کاران نشان دادند با اصلاحات یاد شده موافق نیستند.

آرای بخش شرقی

پانزده سال از یکپارچه شدن آلمان می گذرد و با وجود هزینه شدن میلیونها یورو برای اقتصاد بخش شرقی، هنوز فاصله زیادی میان دو بخش وجود دارد و گفته می شود که برای از میان بردن این شکاف باید ۱/۲۵ تریلیون یورو دیگر هزینه شود. میانگین بیکاری ۱۸/۶ است که در برخی مناطق به ۲۵ درصد هم می رسد. رشد اقتصادی ۵/۵ درصدی بخش شرقی نیز با توجه به این نکته که نقطه آغاز باینی داشته، هنوز نتوانسته است مشاغل تازه بسیاری ایجاد کند. در نتیجه، بیوسته از شمار جمعیت کاسته می شود و تاکنون ۱/۴ میلیون تن از جوانان تحصیل کرده به بخش غربی رفته اند. شهروندان به آنچه انجام می گیرد، قانع نیستند و وضع موجود را ناشی از نوعی خلف وعده هلموت کهل، صدر اعظم زمان اتحاد و پس از او، شرودر می دانند؛ در حالی که کارهای بزرگی در شرق صورت گرفته است به گونه ای که در بیشتر جاها مشخص نیست مرز میان شرق و غرب آلمان چیست. ساختمانهایی که تا هنگام یکپارچگی هنوز بدنه شان پر از آثار تیرهای زمان جنگ بود، تعمیر شده است؛ یارانه های سخاوتمندانه دولت، باعث جذب ۲۰۰۰ مورد سرمایه گذاری از خارج مانند بی ام دبلیو، فولکس واگن، موتورولا و... شده است.^{۱۹}

به هر رو بیکاری نارضایتی سیاسی به همراه دارد و بیشتر شهروندان به احزاب دست راستی افراطی یا دست چپی افراطی گرایش یافته اند. بر پایه نظر سنجی اشپیگل که به تازگی انجام گرفته است، ۷۳ درصد شهروندان بر این باورند که انتقادهای کارل مارکس بر اقتصاد سرمایه داری هنوز هم درست است. شاید باید سالهای بیشتری سپری شود تا بیشتر مردمان در خاور آلمان به شرایط کنونی عادت کنند. هنوز بیشتر مردمان به

این گونه زندگی عادت دارند که از جوانی در کارخانه ای کار کنند و تا هنگام بازنشستگی در آن بمانند. در این انتخابات، یک چهارم رأی دهندگان به ائتلاف کمونیستهای پیشین و چپ های بریده از حزب سوسیال دموکرات رأی دادند.^{۲۰}

با همه اینها، در آغاز مبارزات انتخاباتی انتظار می رفت که بیشتر شهروندان به آنگلامرکل که خود نیز از آلمان خاوری است رأی دهند؛ ولی عوامل گوناگون دست به دست هم داد تا نتیجه مورد انتظار رخ ننماید. در این میان بیشترین لطمه را آقای ادموند اشتویبر نخست وزیر ایالت باواریا، از حزب مؤتلف سوسیال مسیحی باواریا زد.^{۲۱} وی در سراسر مبارزات انتخاباتی گفته بود که سر نوشت کشور را نباید به دست شرقی های عقده ای سپرد زیرا به اندازه هم تیان خود در باختر هوش و زیرکی ندارند. این گفته اشتویبر که اعتبار خانم مرکل و پذیرشش از سوی مؤتلفش را مورد تردید قرار می داد، چرخش آرای بخش خاوری را نیز سبب شد به گونه ای که مرکل هر چه کوشید از اثر منفی این سخنان بکاهد، نتوانست.^{۲۲} رأی دهندگان خاوری نشان دادند که رأیشان می تواند تعیین کننده باشد. در این زمینه، برخی کسان چون اشتفان فلات، وزیر ایالت ساکسونی از حزب دموکرات مسیحی آشکارا اشتویبر را متهم به خودداری از پشتیبانی واقعی از مرکل و آسیب رسانی به بخت پیروزی وی کرد. بر سرهم، اختلاف اشتویبر با خانم مرکل بر سر برنامه های گوناگون که آشکارا ابراز می شد، از نقاط ضعف گروه محافظه کار شمرده می شد و در مراحل تشکیل ائتلاف بزرگ نیز بسیار آشکار بود.

تأثیر خطوط سیاست خارجی ائتلاف محافظه کار

در انتخابات سال ۲۰۰۲ مخالفت آشکار آلمان با جنگ عراق از عوامل موفقیت ائتلاف احزاب سوسیال دموکرات و سبز بود و شرودر در پرتو آن توانست برای بار دوم به مقام صدراعظمی آلمان

○ باید پذیرفت که سیاست و صداقت دوروی یک سگه نیستند، بلکه دو سگه متفاوتند که دومی در عالم سیاست به علت کارایی نداشتن کمتر خرج می شود و چنانچه به کار رود، کالای کمتری با آن می توان خرید. خانم مرکل در هر سخنرانی وارد جزئیات می شد و آنچه را دیگر سیاستمداران پس از برگزیده شدن مطرح می کنند، با شهروندان در میان می گذاشت و به این روش خود می بالید و حزب رقیب را برای پنهان نگاه داشتن برنامه هایش سرزنش می کرد.

○ پانزده سال از یکپارچه شدن آلمان می گذرد و با وجود هزینه شدن میلیونها یورو برای اقتصاد بخش شرقی، هنوز فاصله زیادی میان دو بخش وجود دارد و گفته می شود که برای از میان بردن این شکاف باید ۱/۲۵ تریلیون یورو دیگر هزینه شود.

دست یابد. در آغاز مبارزات انتخاباتی اخیر نیز سرودر تا اندازه ای به ابزار سیاست خارجی و در واقع صلح طلبی و مخالفت با آمریکا متوسل شد و این بار افزون بر مباحث قبلی، بر مخالفت با راه حل نظامی برای مسئله ایران انگشت گذاشت.^{۲۳} خانم مرکل نیز به نوبه خود سعی در بازی کردن با این کارت، ولی در جهت عکس و تأکید بر بهبود روابط با آمریکا داشت.^{۲۴} این نیز اگر نتیجه ای منفی نداشت، به گونه مثبت هم کار ساز نبود.^{۲۵} به هر رو به نظر نمی رسید که در عمل در خطوط اصلی چندان تفاوت اساسی میان این دو باشد.^{۲۶} زیرا مرکل گفته بود که نیرو به عراق نمی فرستد. گذشته از آن، آشکار اعلام داشته بود که بهبود روابط دو سوی آتلانتیک به این معنی نیست که اختلاف سلیقه در میان نباشد؛ ضمن آنکه ائتلاف حاکم نیز مدتی بود که برای بهبود روابط با آمریکا تلاش خود را آغاز کرده و در این راه به پیشرفت هایی دست یافته بود.

محافظه کاران همچنین بر تقویت ناتو و افزایش توان نظامی اتحادیه تأکید داشتند و در همان حال می خواستند که مقررات تنظیم بودجه اتحادیه به گونه کامل اجرا و محدودیت های آلمان در نظر گرفته شود. گفتنی است که هم اکنون آلمان بیشترین سهم را در بودجه اتحادیه دارد.

در مورد ترکیه، خانم مرکل خواهان «مشارکت ممتاز» به جای عضویت آن کشور است. از دید او، اتحادیه تنها باید کشورهای مائند بلغارستان و رومانی را چنانچه شرایط را به گونه کامل رعایت کنند، بپذیرد. خانم آنگلا مرکل همواره این موضع را داشته، که به نوبه خود باعث ناخرسندی رأی دهندگان ترک تبار شده است. در این زمینه «کنعان کولات» معاون «جامعه ترک های آلمان» پس از انتخابات گفت نتیجه انتخابات نشان می دهد که دیگر سخنی از «مشارکت ممتاز» ترکیه به میان نخواهد آمد.^{۲۷}

حریف نیرومند

با آنکه گفته می شود آلمانیها بیشتر به حزب و

برنامه های آن رأی می دهند تا به نامزد انتخاباتی، باید پذیرفت که در این انتخابات، این قاعده دو استثناء داشته است: یکی اینکه آنگلا مرکل نتوانست رأی دهندگانی را که مشتاقانه خواهان تغییر بودند جذب کند؛ دیگر اینکه سرودر با وجود شرایطی که در آغاز مبارزه انتخاباتی گویای پیروزی قطعی خانم مرکل بود، بعنوان سیاستمداری نیرومند توانست رأی دهندگان را تا اندازه ای به حزبی که ۷ سال قدرت را در دست داشت، دوباره جلب کند؛ مردمانی که از ناتوانی دولت در کاستن از بیکاری، کسری موازنه پرداخت ها و بسیاری مشکلات دیگر خسته بودند. ناگفته نماند که عوامل گوناگون در کنش و واکنش با یکدیگرند و چنان که پیشتر گفته شد، عوامل دیگری نیز در نتیجه این انتخابات نقش داشته اند.

چاره کار و ائتلاف های گوناگون

بن بست ناشی از انتخابات در آلمان، اثری فوری و منفی بر بازار داشت و سرمایه گذاران ناخرسندی خود را از نتیجه انتخابات که باعث کاهش ارزش یورو و سهام شد، ابراز کردند.^{۲۸} با مشخص شدن نتیجه انتخابات، جای شک باقی نماند که هیچ يك از دو حزب بزرگ، یعنی حزب سوسیال دموکرات سرودر و ائتلاف محافظه کار دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی به رهبری مرکل نخواهند توانست به سادگی دولت مبنی بر اکثریت تشکیل دهند و باید به ائتلاف هایی که پیش بینی آن را نمی کردند، تن در دهند. ناگفته نماند که خانم مرکل برای مدتی بسیار کوتاه به علت نتیجه انتخابات مورد سرزنش این و آن در حزب خود و حزب مؤتلفش قرار گرفت. وی با حرکتی سیاسی این سرزنشها را پاسخ داد و بی درنگ اعلام کرد که آماده است از رهبری ائتلاف محافظه کار، به سود دیگری کنار بگردد. این کار بهنگام، باعث سردرگمی در ائتلاف شد، زیرا فرد دیگری که بتواند در آن شرایط دشوار نقش مؤثری در این زمینه بازی کند، وجود نداشت. بدین سان، رعایت

ائتلاف بزرگ

نخستین و بزرگترین مشکل در راه چنین ائتلافی، تعیین صدر اعظم بود: شرودر یا مرکل؟ یکی از این دو می‌بایست به سود دیگری کنار رود؛ کاری که ناممکن می‌نمود. ^{۳۱} از سوی، حزب سوسیال دموکرات، به شرودر به چشم قهرمانی که با مبارزه بی‌امان خود، برخلاف نظر سنجی‌های پیش از انتخابات، به پیروزی نسبی دست یافته بود، می‌نگریست و تمایلی به معرفی صدراعظمی دیگر یا پذیرش مرکل نداشت و از سوی دیگر، ائتلاف محافظه کار، پس از کوتاه‌زمانی بار دیگر پشتیبانی بی‌چون و چرای خود را از مرکل اعلام کرده بود و بر صدراعظمی او پامی‌فشرد. بعنوان یک راه‌حل، شرودر صدراعظمی نوبتی خود و مرکل را پیشنهاد کرد؛ ^{۳۲} در دو سال نخست شرودر صدراعظم شود و سپس مرکل جای او را بگیرد. این پیشنهاد از سوی گروه محافظه کار رد شد. خانم مرکل اصرار می‌ورزید که چون ائتلاف یا در واقع بلوک پارلمانی وی اکثریت نسبی را به دست آورده است، باید صدراعظم شود؛ شرودر نیز بر این پایه که حزبی تنها حزبی است که به گونه مستقل بیشترین آراء را به دست آورده است، حاضر به خالی کردن میدان نبود.

مشکل بعدی، برای این ائتلاف، نادیده گرفته شدن آرای عمومی بود. کسانی که به یکی از دو حزب رأی داده بودند، انتظار اجرای وعده‌های انتخاباتی را داشتند و ائتلاف بزرگ یعنی کنار گذاشتن بسیاری از این وعده‌ها، برای دستیابی دو حزب به توافق. از سوی دیگر، برای اینکه دولتی بتواند برنامه‌های خود را با قاطعیت و دور از تزلزل به اجرا درآورد، نیاز به قدرت کافی دارد. در نتیجه، «ائتلاف بزرگ» مصداق «سالی که نیکوست...» می‌شد و به گمان بیشتر تحلیلگران بوی تزلزل از دولت آینده آلمان به مشام می‌رسید به گونه‌ای که برخی کسان برگزاری دوباره انتخابات را از مزه می‌کردند.

منافع حزبی و درک این واقعیت که هنگام ملامت نیست و باید برای تشکیل دولت به جلوراند، سبب تثبیت وی و پشتیبانی دوباره ائتلاف محافظه کار از او شد.

با عزم جزم دو حزب بزرگ برای تشکیل دولت، کوشش برای جذب احزاب کوچک آغاز شد. نخست ائتلاف گروه پارلمانی محافظه کار دربرگیرنده حزب دموکرات مسیحی و حزب سوسیال مسیحی به رهبری خانم مرکل با دموکرات‌های آزاد، مطرح شد؛ ولی حتی اگر دموکرات‌های آزاد با آن موافقت می‌کردند، مجموع کرسی‌ها به اندازه کافی نمی‌رسید و ناگزیر باید از حزب سبز یا چپ‌ها هم دعوت به همکاری می‌شد. گزینه شرکت چپ در دولت یکسره منفی بود، زیرا از یک سو چپ‌ها نمی‌خواستند وارد ائتلاف شوند و ترجیح می‌دادند در نقش اپوزیسیون فعالیت کنند و از سوی دیگر دموکرات‌های مسیحی نیز تمایلی به ائتلاف با آنها نداشتند. گزینه دیگر، پیوستن سبزها به این ائتلاف و دستیابی به اکثریت از این راه بود. با کنار رفتن یوشکا فیشر، راه ائتلاف سبزها با محافظه کاران تا اندازه‌ای هموار شد ولی گفتگوها به نتیجه مطلوب نینجامید. ^{۳۳} یکی از بزرگترین موانع این ائتلاف، تضاد خط‌مشی سبزها با دموکرات‌های آزاد و اشتویبر از حزب سوسیال مسیحی باواریا بود.

ائتلاف سوسیال دموکرات‌ها با سبزها نیز گزینه‌ای بود. با وجود فاصله گرفتن این دو در نخستین مراحل انتخابات، زمینه برای ائتلاف دوباره فراهم بود، ولی این دو نیز نمی‌توانستند به حد نصاب لازم دست یابند و با توجه به مطرح نبودن ائتلاف با چپ‌ها به علت بی‌میلی هر دو طرف، تنها فرصت ممکن، ائتلاف با دموکرات‌های آزاد بود که همان مشکل یاد شده مانع آن می‌شد. از این رو چاره‌ای نبود، مگر «ائتلاف بزرگ» دو حزب سوسیال دموکرات شرودر و ائتلاف محافظه کار به رهبری خانم مرکل. ^{۳۴}

○ شاید باید سال‌های بیشتری سپری شود تا بیشتر مردمان در خاور آلمان به شرایط کنونی عادت کنند. هنوز بیشتر مردمان به این گونه زندگی عادت دارند که از جوانی در کارخانه‌ای کار کنند و تا هنگام بازنشستگی در آن بمانند.

○ در انتخابات سال ۲۰۰۲ مخالفت آشکار آلمان با جنگ عراق از عوامل موفقیت ائتلاف احزاب سوسیال دموکرات و سبز بود و شرودر در پرتو آن توانست برای بار دوم به مقام صدراعظمی آلمان دست یابد. در آغاز مبارزات انتخاباتی اخیر نیز شرودر تا اندازه‌ای به ابزار سیاست خارجی و در واقع صلح‌طلبی و مخالفت با آمریکا متوسل شد و این بار افزون بر مباحث قبلی، بر مخالفت با راه‌حل نظامی برای مسئله ایران انگشت گذاشت.

به هر رو، جدا از مسائل اقتصادی و بی‌صبری بازار، بازرگانان، صاحبان سرمایه و صنایع داخلی و خارجی، هر دو حزب بزرگ نیک می‌دانستند که چنان‌زنی‌هایشان برای تشکیل ائتلاف باید هر چه زودتر و پیش از ۱۸ اکتبر، یعنی یک ماه پس از انتخابات، به نتیجه برسد، وگرنه رئیس‌جمهوری و پارلمان، به موجب قانون شیوه‌های دیگری در پیش خواهند گرفت. گفتگوهای دو حزب در پشت درهای بسته ادامه یافت تا سرانجام پس از چند هفته دو حزب توانستند هر یک به گونه‌ای از آن سود ببرند. مرکل صدراعظم شد ولی سوسیال دموکرات‌ها توانستند وزارت‌خانه‌های پراهمیتی چون وزارت امور خارجه و وزارت دارایی را بدست گیرند. این نخستین ائتلاف بزرگ احزاب چپ و راست از اواخر دهه ۱۹۶۰ تاکنون به‌شمار می‌رود.^{۳۳}

ائتلاف بزرگ و تلفیق سیاست‌های داخلی و خارجی

با تشکیل ائتلاف بزرگ این پرسش مهم مطرح شد که تضادهای دو حزب در زمینه سیاست‌های داخلی و خارجی چگونه از میان خواهد رفت.^{۳۴}

سیاست خارجی دولت ائتلافی

گرچه خطوط کلی سیاست خارجی دو طرف ائتلاف چندان متفاوت نیست، ولی اختلاف در مسائل راهبردی و نیز شیوه اجرای این سیاست به چشم می‌خورد.

دو طرف در موارد زیر اختلاف نظر دارند:

خانم مرکل با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا مخالف است و گونه‌ای «مشارکت ممتاز» برای این کشور در نظر می‌گیرد. اکنون این موضوع به گونه حاد مطرح نیست زیرا مذاکرات مربوط به عضویت که تازه آغاز شده است، ده یا پانزده سال به درازا خواهد کشید. در نتیجه، تصمیم‌گیری در این باره، شاید حتی در دوره بعدی ریاست جمهوری نیز انجام نگیرد.

در حالی که شرودر به روابط با فرانسه بهای خاصی می‌داد و در واقع اتحاد فرانسه و آلمان در رهبری اتحادیه اروپا، گونه‌ای صف‌بندی در برابر سیاست‌های یکسویه آمریکا به‌شمار می‌آمد که در جریان جنگ عراق نمودی روشن داشت، خانم مرکل ضمن حفظ روابط استوار با فرانسه نمی‌خواهد از این روابط به گونه‌ای برداشت شود که گویی منافع دیگر کشورهای بویژه اعضای اتحادیه اروپا نادیده گرفته می‌شود. از دید خانم مرکل، در سالهای زمامداری شرودر، دولت‌های فرانسه و آلمان از راه دیدارهای خصوصی در پی تسلط بر اروپا بوده‌اند، در حالی که در واقع سبب پراکندگی در آن شده‌اند. وی در سفر خود به پاریس، پیش از انتخابات، گفت که با سنت هلموت کهل پرورش یافته است، بر این پایه که اتحادیه اروپا را باید از دریچه کشورهای کوچک آن نگرست و به حفظ تعادل در روابط با همه پایبند بود. در این راستا او شناخته شدن چند کشور را بعنوان پایه‌های اتحادیه که به سرعت و با نادیده گرفتن دیگر اعضا پیشرفت کنند، نمی‌پذیرد. گفتنی است که سارکوزی نیز به گونه‌ای با مرکل هم‌عقیده است؛ بدین سان که می‌گوید ائتلاف فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا و بریتانیا باید جانشین اتحاد فرانسه و آلمان شود. به هر رو، گفته می‌شود که مرکل بیشتر می‌خواهد با همراهی تونی بلر زمینه‌های انگیزه‌های تازه‌ای دست‌کم برای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در اتحادیه فراهم آورد.

نکته دیگر، روابط با روسیه است. مرکل روسیه را شریک مهمی می‌شمارد، ولی دوستی با آمریکا را مهمترین و حیاتی‌ترین سیاست می‌داند. از دید او، روابط دوسوی آتلانتیک روابطی قلبی است و اتحادیه اروپا گزینه‌ای در برابر پیمان آتلانتیک نیست.

مرکل به تجدید محور برلن-پاریس-مسکو نمی‌اندیشد و بر آن است که روابط گرم بوتین و شرودر، حتی همسایگان شرقی آلمان مانند لهستان را نیز به هراس انداخته بوده است.

شود.

شایان توجه است که وزیر خارجه در کابینه مرکل، فرانک والتر اشتاین مایر، که مورد اعتمادترین مشاور شرودر از حزب سوسیال دموکرات است، در نخستین مصاحبه‌های خود از دنبال شدن سیاست خارجی کنونی خبر داده و آن را بسیار عاقلانه خوانده بود. به هر رو، باید منتظر ماند و دید که در عمل، برآیند آراء کابینه تازه چه خواهد بود.^{۳۶} با نخستین سفرهای خانم مرکل پس از صراحت شدنش به پاریس، بروکسل (دیدار در چارچوب اتحادیه و ناتو) و سپس لندن، شاید بتوان گفت که گرایش وی در هدایت سیاست خارجی آلمان در جهتی است که ائتلاف بزرگ می‌طلبد.

اصلاحات در دولت برآمده از «ائتلاف بزرگ»

چنان که پیشتر گفته شد، گذشته از سیاستها و برنامه‌های ویژه سوسیال دموکراتها، مخالفت‌هایی جدی چه در درون حزب دموکرات مسیحی و چه در حزب مؤتلفش، سوسیال مسیحی باواریا، با برنامه‌های مالیاتی و اصلاحات خانم مرکل، دیده می‌شود. نمونه آشکار و مؤثر آن، ناسازگاری ادموند اشتویبر، رقیب پیشین و مؤتلف کنونی مرکل بر سر عضویت در کابینه بود. گرچه پس از ۴ هفته گفتگو و پیش از ۱۲ نوامبر، دو حزب در موارد کلی به توافق رسیدند ولی بحث درباره بسیاری از نکاتی که به ظاهر اهمیت کمتری داشته به آینده موکول شده است. باید دید که این موارد در عمل چگونه حل و فصل می‌شود و آیا ابراز مخالفتها در کابینه، او را از اجرای برنامه‌هایش باز خواهد داشت یا نه.^{۳۷} همچنین، چه بسا پیشتر نمایندگان در پارلمان با پاره‌ای از این برنامه‌ها ناسازگاری نشان دهند. رأی منفی ۵۱ نماینده از ائتلاف حاکم به صدر اعظمی وی نشان دهنده مخالفت‌هایی است که نباید دست کم گرفته شود. در نتیجه، پیش‌بینی می‌شود که مرکل ناگزیر است در چارچوب «ائتلاف بزرگ»، اصلاحات خود را

در مورد لغو تحریم تسلیحاتی چین که شرودر با آن موافق بود، خانم مرکل معتقد است که این موضوع با منافع امنیتی همیمانان آلمان مانند آمریکا بستگی دارد و به جای آنکه در چارچوب اتحادیه بررسی شود، باید در ناتو مورد بحث قرار گیرد و در مواردی از این دست نیز باید دید که تصمیم همیمانان آلمان در ناتو چیست.

با آنکه مرکل سیاست شرودر در قبال آمریکا را نمی‌پذیرد ولی بر سر هم به وجود اختلاف نظر در میان همیمانان معترف است.

سرانجام اینکه وی حتی به شیوه پیگیری درخواست کرسی برای آلمان در شورای امنیت از سوی دولت شرودر نیز ایراد می‌گیرد. در نتیجه باید دید که اختلاف نظرهایی از این دست در دولتی که صدر اعظم آن انگلا مرکل و وزیر خارجه‌اش، فرانک والتر اشتاین مایر، از حزب سوسیال دموکرات شرودر است، چگونه از میان برداشته می‌شود.^{۳۵} تا سرانجام سیاستی یکدست در پیش گرفته شود. آیا پیوسته وزیر امور خارجه و صدر اعظم در کشمکش خواهند بود؟ به هر رو خانم مرکل در مقام صدر اعظم نفوذ چشمگیری در زمینه سیاست خارجی خواهد داشت زیرا بنا بر سنتی که از دوران زمامداری ویلی برانت در دهه ۱۹۷۰ پایه‌گذاری و در زمان شرودر همواره دنبال شده است، نقش صدر اعظم بعنوان طراح و بازیگر اصلی در روابط و سیاست خارجی بسیار چشمگیر و انکارناپذیر است. او در نشستهای بین‌المللی و اتحادیه اروپا شرکت می‌کند، تماس تلفنی با رهبران کشورها دارد و نماینده سیاست خارجی آلمان به‌شمار می‌آید.

گفتنی است که در خود حزب سوسیال دموکرات نیز کسانی هستند که سیاست خارجی شرودر را به گونه درستی قبول نداشته‌اند. برای نمونه، هیأت نمایندگی سوسیال دموکراتها در پارلمان اروپا، به لغو تحریم تسلیحاتی چین رأی منفی دادند زیرا بر این باور بودند که نگرانی موجه و مشروع آمریکا در این مورد باید در نظر گرفته

○ با آنکه گفته می‌شود آلمانیها بیشتر به حزب و برنامه‌های آن رأی می‌دهند تا به نامزد انتخاباتی، باید پذیرفت کسه در این انتخابات، این قاعده دو استثناء داشته است: یکی اینکه انگلا مرکل نتوانست رأی دهندگانی را که مشتاقانه خواهان تغییر بودند جذب کند؛ دیگر اینکه شرودر با وجود شرایطی که در آغاز مبارزه انتخاباتی گویای پیروزی قطعی خانم مرکل بود، بعنوان سیاستمداری نیرومند نتوانست رأی دهندگان را تا اندازه‌ای به حزبی که ۷ سال قدرت را در دست داشت، دوباره جلب کند.

کندتر و در چارچوبی بسیار محدودتر که با نوع اصلاحات سوسیال دموکراتها همخوانی داده شده باشد نگهدارد؛ و این همان است که در واقع رأی دهندگان می‌خواستند. به هر رو با توجه به اینکه بیشتر کارهای اصلاحی از آغاز سال ۲۰۰۷ به اجرا گذاشته می‌شود، نخستین سال صدراعظمی مرکل با نگرانیهای کمتری همراه خواهد بود.

تفسیر نتیجه انتخابات

به گفته برخی از کارشناسان و صاحب نظران، سیستم دموکراتیک انتخاباتی آلمان بسیار خوب عمل کرده و نتیجه انتخابات آینه تمام نمای اوضاع کشور و نظر شهروندان درباره کارکرد احزاب و برنامه‌های آنها بوده است. شهروندان که از دوران ۷ساله زمامداری شرودر خسته شده و ناگزیر به

خوبی‌ها و بدیهای نظام چند حزبی

آلمان و نقش آن در بحران کنونی^{۳۸}

در انتخابات عمومی در کشورهایی که (برای گزینش نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهوری) تنها دو حزب بزرگ رقابت می‌کنند، مانند ایالات متحده آمریکا و انگلستان (تأیید از قدرت گرفتن اخیر حزب لیبرال دموکرات)، دموکراسی از سویی تقویت و از سویی تضعیف می‌شود؛ تقویت از آن رو که «حزب مخالف در پارلمان» قدرت کافی دارد که بتواند کارهای دولت را مورد پرسش قرار دهد و دولت نیز به توبه خود با پشتوانه اکثریت داشتن، می‌تواند با قدرت برنامه‌های اصلاحی و... را پیش ببرد. از سوی دیگر، رأی دهندگان در پاره‌ای از کشورها، بویژه در دهه‌های اخیر گزینه‌های چندانی نداشته‌اند و اگر از کارنامه حزب حاکم راضی نبوده‌اند ناگزیر شده‌اند به حزب دیگری رأی دهند و راه سومی وجود نداشته است. برنامه‌ها و کارکرد دو حزب نیرومند در این گونه کشورها رفته‌رفته به یکدیگر نزدیک می‌شود، وعده‌های انتخاباتی اندک زمانی پس از انتخابات فراموش می‌شود و احزاب هدفهای اصلی خود را برای جلب آرای عمومی کنار می‌گذارند و یکسره تغییر ماهیت می‌دهند (مانند حزب کارگر انگلستان که به قول معروف در حال حاضر از حزب محافظه کار، محافظه کارتر

به گفته برخی از کارشناسان و صاحب نظران، سیستم دموکراتیک انتخاباتی آلمان بسیار خوب عمل کرده و نتیجه انتخابات آینه تمام نمای اوضاع کشور و نظر شهروندان درباره کارکرد احزاب و برنامه‌های آنها بوده است. شهروندان که از دوران ۷ساله زمامداری شرودر خسته شده و ناگزیر به آنگلامرکل روی آورده بودند، آنرا نیز به دلخواه نیافتند و با سردرگمی، برای کنار زدن يك نامزد به نامزد دیگر رأی دادند و آن دسته که هیچ يك را نمی‌خواستند، رأی خود به سود احزاب کوچکتر در صندوق‌ها انداختند.^{۳۸}

سبزه‌ها تا اندازه‌ای سبز باقی ماندند و با آنکه هفت سال پیاپی در دولت شرودر بودند، توانستند جای خود را تثبیت کنند. بسیاری کسان به دموکراتهای آزاد و چپ‌ها رو کردند که به ترتیب ۶۱ کرسی و ۵۴ کرسی به دست آوردند. اگر مجموع کرسی‌های این دو و حزب سبز در نظر گرفته شود که رقم ۱۶۶ را نشان می‌دهد و نیز اینکه حزب دموکرات مسیحی آنگلامرکل به تنهایی ۱۸۰ کرسی را به دست آورده است، می‌توان به این نکته پی برد که استقبال شهروندان از روی کار آمدن خانم مرکل چه اندازه بوده است.

بر سر هم باید گفت که همه و همه حتی آن دسته از احزابی که کرسی‌های بیشتری به دست آورده‌اند، بهره‌ای فوری از آن نبرده‌اند، زیرا انتخابات برنده‌ای به معنی واقعی نداشته است. چیزی که همگان در درون و بیرون آلمان در پی آن بوده‌اند، درمان درد بوده و باید دید آیا رهبرانی که

○ در حالی که شرودر به روابط با فرانسه بهای خاصی می‌داد و در واقع اتحاد فرانسه و آلمان در رهبری اتحادیه اروپا، گونه‌ای صاف‌بندی در برابر سیاستهای یکسویه آمریکا به شمار می‌آمد که در جریان جنگ عراق نمودی روشن داشت، خانم مرکل ضمن حفظ روابط استوار با فرانسه نمی‌خواهد از این روابط به گونه‌ای برداشت شود که گویی منافع دیگر کشورها بویژه اعضای اتحادیه اروپا نادیده گرفته می‌شود.

شده است).

به همین سان، در دموکراسی‌هایی که رفته‌رفته احزاب سوم و چهارم و... یا گرفته‌اند، دولت و دموکراسی می‌تواند تقویت یا تضعیف شود. نمونه چنین وضعی در دهه اخیر در هند وجود داشته و هم‌اکنون نمونه آلمان پیش روی ما است. چنانچه حزب سوسیال دموکرات و ائتلاف محافظه کاران (حزب دموکرات مسیحی و حزب سوسیال مسیحی بلوار یا) می‌توانستند به اکثریتی چشمگیر، نه حتی مطلق دست یابند، شاید امکان ائتلاف، برای نمونه با حزب سبز مانند هفت سال گذشته وجود می‌داشت یا ائتلاف محافظه کاران با دموکرات‌های آزاد به سادگی انجام می‌گرفت و وضع ناپدیدار کنونی پیش نمی‌آمد. ولی در انتخابات اخیر آلمان، آینده کشور و احزاب نیرومند که به هر رو توانایی حکومت کردن را دارند در گرو اشتها و سلیقه احزاب کوچک بوده که بیشتر آراء شهروندان را نه با پشتوانه برنامه‌های چشمگیر، بلکه از رهگذر ناخرسندی مردمان از احزاب بزرگتر و در واقع تنبیه آن احزاب، به هر دلیل، از ناتوانی در به انجام رساندن اصلاحات گرفته تا گسترش بیکاری و... به دست آورده بودند.

ممکن است برخی کسان این وضع را نشانه دموکراسی واقعی و برآیند آرای شهروندان بدانند که از يك سو عملکرد دولت حاضر را نمی‌پسندیده‌اند و از سوی دیگر آمادگی پذیرش برنامه‌های حزب مخالف را هم ندارند. در نتیجه، دو حزب نیرومند بر آن خواهند شد که از راه ائتلاف باهم، تلاش بیشتری در جهت اجرای وعده‌هایشان کنند و هر يك دیگری را به تعدیل برنامه‌های اصلاحی و مالیاتی‌اش ترغیب کند. در این میان حزبهای سوم و چهارم آمادگی خود را حفظ می‌کنند تا چنانچه «ائتلاف بزرگ»، دو حزب نیرومندتر میسر نشود، به میدان آیند و در صورت وارد شدن به ائتلاف، بر برنامه‌های دولت اثر گذارند.

به هر رو، در هر گونه از انتخابات شهروندان

حرف آخر را می‌زنند و برای آنان جز در موارد استثنایی، در درجه نخست مسائل اقتصادی اهمیت دارد؛ بیشتر مالیات می‌دهند یا کمتر؛ از رفاه بیشتری برخوردار می‌شوند یا نه؛ وضع اشتغال چگونه خواهد بود؛ اگر اصلاحاتی در میان است، سهمشان از آن به چه اندازه است؟ حتی در انتخابات عمومی آلمان در سال ۲۰۰۲ که مسئله جنگ آمریکا با عراق مطرح بود و دولت شرودر با همپیمان سبز خود تا اندازه‌ای در سایه مخالفت با بوش برنده شد، مسائل سیاسی یا در واقع سیاست خارجی به تنهایی مطرح نبود، بلکه در زرفای آن، هزینه‌هایی مالی یا غیر مالی که از این راه می‌توانست به ملت آلمان تحمیل شود، مورد توجه بود. در جنگ دوم خلیج فارس معروف به «طوفان صحرا» نیز گرچه آلمان وارد ائتلاف نظامی نشد، ولی بخشی از هزینه آن را به گونه غیر مستقیم متحمل گردید. در آن انتخابات نیز شهروندان با توجه به شاخص‌های اقتصادی رأی دادند.

بازتاب و پیامدهای درونی و بیرونی انتخابات آلمان

با روشن شدن نتایج انتخابات عمومی آلمان و شکست هر دو حزب بزرگ در به دست آوردن آرای کافی برای تشکیل دولت، نگرانی در داخل و خارج آغاز شد؛ به گونه‌ای که بیشتر تحلیل‌ها و خبرها آشکارا دلواپسی مقامات داخلی، بازار اقتصادی و اتحادیه اروپا را نشان می‌داد. نتایج انتخابات سبب شد که بویژه در یکی دو هفته نخست همه رسانه‌ها در سراسر اروپا از آلمان بتوانند از دید اقتصادی وضع بهتری پیدا کنند ابراز بدبینی کنند.^{۲۰}

رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا، خوزه مانوئل باروسو، ملت‌ساز از رهبران آلمان خواست که هر چه زودتر به ائتلاف برسند. تونی بلر با اینکه امیدوار بود هر دو طرف به دست آوردن آرای چشمگیر بر سر کار آید و با یاری او اصلاحات اقتصادی بنیادین و برنامه‌های سیاسی اروپا را به پیش برد،

○ از دید خانم مرکل، در سالهای زمامداری شرودر، دولتهای فرانسه و آلمان از راه دیدارهای خصوصی در پی تسلط بر اروپا بوده‌اند، در حالی که در واقع سبب پراکندگی در آن شده‌اند. وی در سفر خود به پاریس، پیش از انتخابات، گفت که با سنت هلموت کهل پرورش یافته است، بر این پایه که اتحادیه اروپا را باید از دریچه کشورهای کوچک آن نگریست و به حفظ تعادل در روابط با همه پایبند بود. در این راستا او شناخته شدن چند کشور را بعنوان پایه‌های اتحادیه که به سرعت و با نادیده گرفتن دیگر اعضا پیشرفت کنند، نمی‌پذیرد.

○ گفته می شود که
مرکل بیشتر می خواهد با
همراهی تونی بلر زمینه و
انگیزه های تازه ای دست کم
برای اصلاحات اجتماعی و
اقتصادی در اتحادیه فراهم
آورد.

ولی در آن شرایط، دیگر ناکامی مرکل چندان مطرح نبود. در بدترین وضع ممکن برای آلمان و در نتیجه برای اتحادیه، همه حتی لندن بر تشکیل دولتی نیرومند از هر دست اصرار می ورزیدند. شیراک نیز که خواستار صدراعظمی دوباره شرودر بود و باروی کار آمدن مرکل به علت سیاست خارجی اش نظری چندان مساعد نداشت، نمی توانست از ناکامی وی راضی باشد؛ زیرا فرانسه و آلمان بعنوان پایه های اصلی اتحادیه اروپا باید از ثبات و اقتصادی نیرومند برای پیش بردن اتحادیه برخوردار باشند و هر گونه بی ثباتی سیاسی در آلمان، می توانست بر فرانسه و کل اتحادیه اثر گذارد. یدین سان، فرانسه نیز بر توافق فوری برای تشکیل ائتلاف اصرار می ورزید.

چشم انداز چنان تیره و تار بود که پاره ای از تحلیل گران حتی «ائتلاف بزرگ» دو حزب سوسیال دموکرات و دموکرات مسیحی را برای ایجاد وضع مطلوب اقتصادی ناکافی می دانستند زیرا از دید آنان مشکلاتی چون بیکاری، کسری موازنه پرداختها، اصلاح بازار کار و امور رفاهی دیگر نمی توانست به آسانی از میان برداشته شود.^{۲۱}

در خود آلمان، سرمایه گذاران و بازرگانانی که دل به برنامه های اصلاحی مرکل سپرده بودند، برنامه هایی که آنها را در برابر کارگران در موضع بهتری قرار می داد، نه تنها به آرزوی خود نرسیدند، بلکه دچار سردرگمی و نگرانی عمیق شدند. بی گمان پیروزی نسبی چپ ها در انتخابات برای آنها قابل تأمل است و به سادگی نمی توانند از کنار آن بگذرند. این امر به نوبه خود بر کارگران و کارکنان شرکتها اثر می گذارد. در نتیجه، اکنون همه و همه امیدوارند که «ائتلاف بزرگ» به رهبری مرکل بتواند نرخ رشد اقتصادی در کشور را افزایش و بیکاری را کاهش دهد و اقتصاد آلمان موفق به کاهش کسری موازنه پرداختهاش شود. بهبود وضع اقتصادی نیرومندترین کشور در اتحادیه اروپا در همه کشورهای عضو این اتحادیه اثر مثبت

خواهد داشت.

از دیگر نتایج انتخابات عمومی آلمان، دگرگونی های سیاسی مربوط به احزاب بود. گفتگوهای طولانی و دشوار مربوط به تشکیل «ائتلاف بزرگ»، به اختلاف های درون حزبی در دو اردوگاه قدرت دامن زد، به گونه ای که رهبر حزب سوسیال دموکرات، «فرانس مونتفرینگ»، که برای پا گرفتن دولت ائتلاف مرکل با شرکت حزب خود و بلوک محافظه کار مرکل تلاش فراوان کرده بود، با مخالفتهای جناح جوانتر در حزب رویه رو و ناگزیر از کنارگیری شد و «ماتیاس پلاتزک» نخست وزیر ایالت شرقی براندنبرگ به این مقام دست یافت.^{۲۲} در واقع، برای نخستین بار، رهبری حزب سوسیال دموکرات به مردی از شرق آلمان واگذار شد. پس از کنارگیری مونتفرینگ و به دنبال اختلاف نظر اشتویبر (مؤلف خانم مرکل از حزب سوسیال مسیحی باواریا) با خانم مرکل، وی نیز به مونیخ بازگشت تا به مقام محلی خود، یعنی نخست وزیری ایالت باواریا، به جای وزارت در دولت فدرال به رهبری مرکل بسنده کند. این دو دگرگونی بزرگ، در جای خود می تواند بر کابینه مرکل، آثار مثبت و منفی داشته باشد: مثبت از آن رو که مونتفرینگ بی قید و بندهای مربوط به رهبری حزب سوسیال دموکرات، در پست معاونت صدراعظم وابستگی بیشتری به ائتلاف بزرگ احساس می کند و در همان حال از پشتیبانی رهبر جدید حزب سوسیال دموکرات و در واقع جانشینش پلاتزک برخوردار است که خود تجربه موفق ائتلاف بزرگ را در ایالت براندنبرگ میان دو حزب عمده داشته و از پشتیبانی رأی دهندگان شرقی برخوردار است. از سوی دیگر، مونتفرینگ دیگر رهبری حزب را ندارد و هر زمان که سوسیال دموکراتها از ائتلاف ناراضی باشند، با آسانی بیشتری می توانند از آن جدا شوند. در واقع، پس از این جدایی فرضی، انتخابات عمومی صورت خواهد گرفت که در آن، دیگر رهبر پیشین حزب (مونتفرینگ) برای گردآوری رأی حاضر نمی شود، بلکه چهره تازه و فعالی که در

شرق نیز محبوب تر است مبارزه انتخاباتی را پیش خواهد برد. کناره گیری اشتوبیر نیز از سوی خانم مرکل را از خاری در چشم رها کرده و از سوی دیگر نشان دهنده این است که موفقیت دولت مبتنی بر ائتلاف بزرگ، دست کم از دید اشتوبیر حتمی نیست و وی با بازگشت به مونیخ، برای به دست آوردن موقعیتی مطمئن تر تلاش می کند.^{۴۳} همه این عوامل در کنار ناخرسندی شهروندان از افزایش مالیات های ارزش افزوده که قرار است از آغاز سال ۲۰۰۷ به اجرا درآید و افزایش مالیات بر درآمدهای سنگین که بازرگانان را نگران کرده است، جای تردید برای همگان در سر یا ماندن دولت کنونی برای بیش از یک سال باقی می گذارد. از سوی دیگر، عوامل مثبتی مانند سرسختی و اراده استوار خانم مرکل، همکاری و انعطاف «فرانس مانتفرینگ» معاون صدراعظم از حزب سوسیال دموکرات، تجربه و عزم «ماتیاس پلاتزک» رهبر جدید حزب سوسیال دموکرات، آگاهی شهروندان و صاحبان صنایع و بازرگانان از این نکته که انتخابات جدید چه بسا سرانجامی این چنین خواهد داشت، ناخرسندی اتحادیه اروپا از ادامه یافتن سردرگمی و بی ثباتی در مهمترین کشور عضو اتحادیه و همچنین روی خوشی که آمریکا به مرکل نشان داده در میان است که معجزه موفقیت دولت مرکل را محتمل می کند.

نتیجه گیری

انتخابات اخیر آلمان، یکی از هیجان انگیزترین انتخابات در تاریخ معاصر این کشور و اروپا بود. شاید یکی از دلایل، آن شرکت یک زن، آنها از شرق کشور بعنوان نامزد صدراعظمی در برابر سیاستمداری نیرومند و پویا مانند گرهارد شرودر بوده است. در آغاز مبارزات انتخاباتی همه نظر سنجی ها نشان از پیروزی چشمگیر خانم آنگلا مرکل، که ۳۵ سال از زندگی خود را در دوران جنگ سرد در پشت پرده آهنگ جنگ سرد در آلمان شرقی گذرانده بود، داشت، ولی عوامل

گونگون در کنار هم نتیجه انتخابات را به گره کوری برای احزاب و بازیگران سیاسی در آن کشور تبدیل کرد. هیچ یک از احزاب بزرگ نتوانست به اکثریت مطلق یا حتی اکثریت نسبی کافی برای تشکیل ائتلاف با احزاب کوچکتر دست یابد و ناگزیر پس از هفته ها چانه زنی در پشت درهای بسته، «ائتلاف بزرگ» دو حزب عمده رقیب، تنها راه رهایی از بن بست شناخته شد. حاصل این ائتلاف، در درجه نخست، صدراعظمی نخستین زن در تاریخ آلمان بود.

در این انتخابات موارد زیر تبلوری ویژه داشت:

- ۱- همانند بیشتر انتخابات در کشورهای دموکراتیک، شهروندان نقش اصلی را بازی کردند و به سیاستمداران نشان دادند که هوشیار در صحنه اند و همواره کارنامه آنان را زیر نظر دارند.
- ۲- مسائل اقتصادی و برنامه ها در زمینه اصلاحات که بر وضع مالی خانواده های کم درآمد اثر می گذارد، نقشی چشمگیر در تعیین نتیجه انتخابات داشت.
- ۳- بن بست ناشی از نتیجه انتخابات و دشواریهای ائتلاف که برخی کسان حتی از آن با عنوان بحران یاد کردند. آشکارا نشان داد که چگونه کشورهای عضو اتحادیه به یکدیگر وابستگی دارند و بی ثباتی سیاسی، حتی از نوع گنرا و کوتاه مدت، تا چه اندازه سبب نگرانی در دیگر کشورها می شود و بویژه اقتصاد آلمان بعنوان یکی از موتورهای اصلی اتحادیه تا چه اندازه برای آنها اهمیت دارد.
- ۴- هرگونه بی ثباتی سیاسی، در همه بخشهای کشور پیامدهای منفی خواهد داشت و هیچ حزب یا گروه اجتماعی از آن بهره مند نمی شود.
- ۵- در حالی که در آسیا، در چهار دهه گذشته زنان بارها به ریاست دولت رسیده اند، هنوز در قلب اروپا، این امر با دشواری صورت می گیرد. ناگفته نماند که در این مورد بخصوص، عوامل دیگری نیز دخیل بوده است.

○ مرکل روسیه را شریک مهمی می شمارد، ولی دوستی با آمریکا را مهمترین و حیاتی ترین سیاست می داند. از دید او، روابط دوسوی آتلانتیک روابطی قلبی است و اتحادیه اروپا گزینه ای در برابر پیمان آتلانتیک نیست.

یادداشت‌ها:

۸. حزب دموکرات مسیحی خانم آنگلا مرکل، بی‌پرداخت حق تألیف به گروه پاپ انگلیسی یاد شده، دست به بخش این آهنگ (مربوط به دهه ۷۰) زده بود. وقتی از «میک جگر» خواننده گروه، در این باره پرسیدند، گفت که ترجیح می‌دهد از آهنگ وی بهره‌برداری نشود. برای نگارنده، به‌عنوان ناظری خارجی، شگفت‌آور است که نامزد صدراعظمی آلمان در مبارزات انتخاباتی خود به جای بهره‌گیری از موسیقی کلاسیک غنی کشور خود، تنها به دلیل هم‌اسمی آهنگی خارجی (آنجی) با آنجلا یا آنگلا، آنرا برگزیند. تا نظر رأی‌دهندگان آلمانی چه باشد.

[http:// service. spiegel. de/ cache/ inter-
national/0, 1518,371039,00.html](http://service.spiegel.de/cache/international/0,1518,371039,00.html)

Is Mick Jagger Miffed at Merkel?

9. [http:// news. bbc.co.uk/ 2/hi/ europe/
4571465. stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/4571465.stm)

Schroeder plans early German poll;

[http:// www.dw-world.de/dw/article/0, 1564,
1607068,00.html](http://www.dw-world.de/dw/article/0,1564,1607068,00.html)

“Schröder Quiet on Confidence Vote”

10. [http://www. deutsche-welle. de/dw/
article/0, 1564, 1646, 236,00.html](http://www.deutsche-welle.de/dw/article/0,1564,1646,236,00.html)

Conservatives Unveil Election Platform

11. [http://en. wikipedia. org/wiki/ German
federal election, 2005](http://en.wikipedia.org/wiki/German_federal_election,2005)

12. [http://www. deutsche-welle. de/dw/
article/0, 1564, 1686938,00. html](http://www.deutsche-welle.de/dw/article/0,1564,1686938,00.html)

Merkel Stands by Her (Tax) Man

13. [http:// news. bbc.co. uk/1/hi/ world/
europe/ 4262966. stm](http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/europe/4262966.stm)

Mark Mardell, “German ‘war of the chancellors’”

۱۴. رقم ۳۰ درصد با توجه به کرسیهایی است که حزب دموکرات مسیحی خانم مرکل به تنهایی در انتخابات به دست آورد.

۱۵. در طول مبارزات انتخاباتی، مطالبات از مرکل ایراد می‌گرفتند که یاره‌ای از مفاهیم اقتصادی مانند درآمد ناخالص و خالص را با هم مخلوط می‌کند و سررشته‌ای از مسائل اقتصادی ندارد.

16. [http://www. deutsche-welle. de/dw/
article/0, 1564, 16840,00. html](http://www.deutsche-welle.de/dw/article/0,1564,16840,00.html)

“Tax Reformer Tapped for Finance Post”

17. GDP

۱۸. در واقع آلمان برای سه سال پیاپی مقررات عهدنامه

۱. مقاله «ترکیه و اتحادیه اروپا: دوستگی آراه» در اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۰۹-۲۱۰ و مقاله «حکومت آینده آمریکا: سرنوشت حکومت قانون، روابط دوسوی آتلانتیک، یکجانبه‌گرایی و جنگ یا تروریسم» در شماره ۲۰۳-۲۰۴ همان ماهنامه.

۲. اگر انتخابات ماه مه ۱۹۹۷ در انگلستان را که در آن جان میجر نخست‌وزیر از حزب محافظه‌کار به تونی بلر از حزب کارگر باخت به یاد آوریم، متوجه معنای واقعی دگرگونی می‌شویم و اینکه در انگلستان رئیس دولت به راستی خدمتگزار شهروندان است. امروز انتخابات عمومی بود و فردا، تاپیش از ظهر نتیجه آن روشن شد و همان روز جان میجر از خانه شماره ده دانینگ استریت رفت و تونی بلر به آن پا گذاشت.

3. [http:// news. bbc.co.uk/1/hi/ business/
4259134. stm](http://news.bbc.co.uk/1/hi/business/4259134.stm)

German vote deadlock hits markets

[http:// news. bbc.co.uk/1/hi/ World/ europe/
4259638. stm](http://news.bbc.co.uk/1/hi/World/europe/4259638.stm)

Hugh Schofield, “European reaction to German poll, France,”

4. [http://en. wikipedia. org/ wiki/ Social
Democratic Party of Germany](http://en.wikipedia.org/wiki/Social_Democratic_Party_of_Germany)

“Social Democratic Party of Germany”, Wikipedia, Encyclopedia.

5. Christian Democratic Union, Bavarian Christian Social Union

حزب دموکرات مسیحی ۱۸۰ کرسی (۲۹/۲ درصد) و حزب سوسیال مسیحی باوریا ۴۶ کرسی (۷/۵ درصد آرا) رای به دست آوردند.

6. [http://www. dw- world. de/ dw/ article/
0,1564, 1693867,00. html](http://www.dw-world.de/dw/article/0,1564,1693867,00.html)

Merkel Candidacy Roars Into End Phase;

[http:// news. bbc.co.uk/ 1/hi/ world/europe/
4260036. stm](http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/europe/4260036.stm)

Clare Murphy, BBC News, Berlin, “Where did it go wrong for Merkel?”;

[http:// news. bbc. co. uk/1/hi/ world/ europe/
4262638. stm](http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/europe/4262638.stm)

Merkel re-elected as party leader

7. [http:// news. bbc.co.uk/1/hi/ world/
europe/ 4572387. stm](http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/europe/4572387.stm)

“Break with Kohl”

○ مرکل به تجدید

محور برلن - پاریس - مسکو نمی‌اندیشد و بر آن است که روابط گرم پوتین و شرودر، حتی همسایگان شرقی آلمان مانند لهستان را نیز به هراس انداخته بوده است.

○ در مورد لغو تحریم تسلیحاتی چین که شرودر با آن موافق بود، خانم مرکل معتقد است که این موضوع با منافع امنیتی همپیمانان آلمان مانند آمریکا بستگی دارد و به جای آنکه در چارچوب اتحادیه بررسی شود، باید در ناتو مورد بحث قرار گیرد و در مواردی از این دست نیز باید دید که تصمیم همپیمانان آلمان در ناتو چیست.

europa/ 4260326. stm

“German voters’ views: Joachim Korte-Ber”

32. <http://www.rte.ie/news/2005/0924/germany.html>

“Germany’s SPD in job-rotation proposal”

33. <http://newsfromrussia.com/politics/2005/10/17/65432.html>

Angela Merkel’s Cabinet partly consists of Schroeder’s Social Democrats

34. <http://news.bbc.co.uk/1/hi/talkingpoint/4326820.stm>

35. <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/europe/4361906.stm>

New face in German foreign office

36. <http://www.wpherald.com/storyview.php?StoryID=20051014-123229-4951r>

New German foreign minister is political unknown

37. <http://www.sciencedaily.com/upi/feed=TopNews&article=UPI-1-20051023-10593900-bc-germany-merkel.xml>

Germany’s next leader to have weak power

38. <http://www.dw-world.de/dw/article/0,1564,1717457,00.html>

In German Politics, Small is Beautiful

39. <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/europe/4219274.stm>

Germany’s political parties

40. <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/europe/4226802.stm>

William Horsley, “What German poll means for Europe”;

Jeffrey Gedmin, “The Price of Germany’s Indecision”, *The Financial Times*, 21 Sep, 2005

41. <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/europe/4273808.stm>

European press review

42. <http://www.dw-world.de/dw/article/0,2144,1762952,00.html>

Germany 02.11.2005, Platzeck to Become SPD Leader

43. <http://www.dw.world.de/dw/article/0,2144,1764355,00.html>

Germany 03.11.2005, Stoiber Departs to the Sound of Sharpening Knives

نجات اتحادیه اروپا را زیر پا گذاشته است و انتظار می‌رود که در سال جاری نیز به همین منوال عمل کند و این بار احتمال می‌رود که وزرای دلرایی کشورهای عضو اتحادیه، آلمان را جریمه کنند.

19. <http://news.bbc.co.uk/1/hi/business/4225346.stm>

Tim Weber, “Waiting for the East to flourish”

20. <http://service.spiegel.de/cache/international/spiegel/0,1518,375601,00.html>

Germany’s Left Party the Left Is Moving West

21. <http://service.spiegel.de/cache/international/spiegel/0,1518,375608,00.html>

Merkel’s Election Failure, “How Germany’s East Abandoned Angie”

22. <http://www.dw-world.de/dw/article/0,1564,1678556,00.html>

“Merkel Aims to Win Back Eastern Voters”

23. <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/europe/4149792.stm>

“Schroeder plays the Iran card”

24. <http://www.dw-world.de/dw/article/0,1564,1696818,00.html>

Merkel’s Foreign Policy

25. <http://www.hillnews.com/thehill/export/TheHill/News/Frontpage/092905/coats.html> Albert Eisele, “Coats: German election weakens U.S. ties”

26. Richard Bernstein, “Would Merkel Bridge A Trans-Atlantic Divide?” *International Herald Tribune*, September 9, 2005, p.2

27. <http://www.euractiv.com/Article?tcaturi=tcm:29-144554-16&type=News>

German elections - Media fear “un-governability” and “economic paralysis”

28. <http://news.bbc.co.uk/1/hi/business/4259134.stm>

German vote deadlock hits markets

29. <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/europe/4275694.stm>

“German Greens spurn CDU alliance”

30. <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/europe/4270260.stm>

German poll rivals break the ice

31. <http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/>